



۲۰۲۰/۹/۱۷

محمد داؤد مومند

## دروغ و کذب غبار در مورد تخلیق افسانه

### حزب سری دربار

استاد سیستانی یکسال قبل بر تحقیق شاعلی داکتر صاحب کاظم به ارتباط نظر میرغلام محمد غبار و جعل او در قسمت تخلیق و جعل یک نظر واهی تاریخی مبنی بر موجودیت حرکتی بنام « حزب سری دربار » مطالبی دارند که فشرده آن ذیلاً به عرض میرسد، شاعلی سیستانی مینویسد:

داکتر سید عبدالله کاظم به نظرم، اولین محققى است که به محتوای گزارش و نحوه قتل امیر از سوی « حزب سری دربار » شک و تردید نشان داده و قتل امیر حبیب الله خان را نقشه و پلان انگلیس دانسته و شایعات برداشت های که در آن دست امان الله و شجاع الدوله را دخیل میداند، با دلایل و براهین منطقی رد میکند. ( ابراز دلایل و براهین منطقی شاعلی کاظم دال بر قاطعیت نظر شاعلی کاظم است نه شک و تردید. مومند )

کاندید اکادمسین سیستانی دوام میدهد:

به نظر میرسد همه کسانی که تاریخ غبار و روایت « حزب سری غبار » را خوانده اند، بدون شک بدان باور کرده و در نوشته های خویش به آن استناد جسته اند، زیرا غبار در تاریخ خود همواره از امان الله خان به عنوان یک جوان بیدار و محور فعال روشنفکری در دربار با تمجید و تکریم یاد کرده است و به همین خاطر اکثر خوانندگان، تمام سخنان غبار را درباره جنبش مشروطیت و مرام شان بدون سند و مدارک قبول میکنند ( زهی ظالمت و بدبختی-مومند ) درباره موجودیت «حزب سری دربار» به استثناء داکتر صاحب کاظم، اشخاص دیگری، شک و تردیدی بخود راه نمیدهند و به نتایج میرسند که یک زمانی من رسیده بودم. ( قبول ادعاهای میر غلام غبار را بدون سند و مدارک و صرف روی این خیال و تلقی که نوشته میرغلام غبار است، باید زهی بدبختی دانست، زیرا میر غلام غبار یک مؤرخ سیاست باز بود، و پناه بر خداوند از دست مؤرخین سیاست باز- مومند )

غبار در تاریخ خود ( افغانستان در مسیر تاریخ ) از « حزب سری دربار » نام میبرد و ضمن توصیف و تعریف از شهزاده امان الله، ذهن خواننده را برای پذیرفتن یک غلطی تاریخی آماده میکند « یعنی میر غلام غبار به حیث یک مؤرخ سیاست باز، تعمداً و متکی بر سوء نیت و هدف سیاسی، به تخدیر ذهن خواننده میپردازد-مومند »

کاندید اکادمسین سیستانی ادامه میدهد:

نتیجه ای که از روایت غبار گرفته میشود این خواهد بود که: چون یکی از اهداف مشروطه خواهان، حصول استقلال افغانستان از انگلیسها بود، بنابراین تصمیم قتل امیر از سوی رهبران حزب سری دربار ( از قبیل امان الله خان، محمد ولی خان و شجاع الدوله و چند نفر دیگر؟ ) گرفته شد و در حاشیه قرآن امضاء کرده و به سردار نصرالله خان سپردند؟؟؟. برای آنکه شایعه مورد قبول قرار گیرد، موضوع سوء قصد علیه امیر در شور بازار کابل توسط عبدالرحمن لودین در این شایعه افزوده میشود تا نشان داده که آن عمل خطر جدی را متوجه جنبش کرده بود و امیر در بازگشت خود از لغمان سزای آن ها را میداد، بنابراین اشخاص مؤظف برای نجات جان خود پیشدستی نمودند و کار امیر را تمام کردند و گروه خود را نجات دادند. بدون تردید چنین نتیجه گیری ناشی از اعتماد خواننده به غبار به عنوان یک مؤرخ زندان دیده میباشد. ( ببرک نیز چند سالی و همزمان با غبار در زندان بود- مومند )

خوشبختانه داکتر سید عبدالله کاظم به نظرم، نخستین محققى خواهد بود که روایت « حزب سری دربار میر غلام محمد غبار » را با دید انتقادی نگریسته و قتل امیر را از سوی مشروطه خواهان وارد نمیداند « ( یعنی تخلیق سیاسی و افسانه کذب غبار را رد میکند- مومند )

د پائو شمیره: له ۱ تر ۴

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

پاڼه: دليکنې دليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

کاندید اکادمسین سیستانی ادامه میدهد:

چیز دیگری که برای تقویت نظر داکتر صاحب کاظم میتوان افزود، کتاب سلطنت امان الله شاه و استقلال مجدد افغانستان تألیف مجدد عزیزالدین پوپلزایی است، پوپلزایی چگونگی آغاز سلطنت امان الله خان را از قول پدر خود که مدیر قلم مخصوص امان الله خان بوده نوشته است که او در هیچ جایی از خاطرات پدر خود در این کتاب از حزب سری دربار (یعنی جعل غبار-مومند) نام نبرده است.

علاوه بر این، نکته دیگری که انسان را به موجودیت چنین حزبی دچار تردید میکند، حضور جواسیس همیشگی مستوفی الممالک برای تعقیب و گزارش از حرکات و سکنات عین الدوله و مادرش علیاحضرت حتی در داخل حرم شاهی بود. اگر چنین حزبی وجود میداشت آیا میتوانست که از چشم جواسیس و گماشتگان مستوفی الممالک پنهان بماند؟

منبع روایت غبار معلوم نیست، و تا کنون هرکس که این گزارش را در تاریخ غبار خوانده است، به اعتبار گذشته سیاسی او مبنی بر مخالفت با سلطنت و سیاست خانواده نادر شاه آن را باور کرده است (جای نهایت بدبختی است که یک عده ذوات بی معرفت و کوتاه بین، صرف روی خصومت با خانواده قهرمان معارک تل و نجات یعنی غازی محمد نادر خان به افرازش سیاسی معده غبار در زمینه و موارد دیگر اتکاء نمایند-مومند)

کاندید اکادمسین سیستانی ادامه میدهد:

مرحوم علامه حبیبی نیز در کتاب خود «جنبش مشروطیت» در باره روایت حزب سری دربار «شک و تردید» خود را ابراز داشته است. حبیبی در آن کتاب زیر عنوان «حزب سری دربار» نوشته میکند: در باره این مطلب، نویسنده این سطور از اشخاصیکه در آن وقت جوان و دخیل حلقه های روشنفکران بودند (منظور عبدالرحمن لودین و عبدالهادی داوی میباشد) بدین تفصیل چیزی ننشیده ام. سپس آنچه را غبار در مورد حزب سری دربار بیان کرده، نقل قول میکند و همراه با آن این نکته را متذکر میشود که: «العهدة علی الراوی» یعنی (راست و دروغ مسئله بدوش راوی است).

فیض محمد کاتب، نیز از حزب سری دربار امیر حبیب الله خان نام نمی برد، و در یک نظر تائید میکند که امان الله خان در قتل پدرش نقشی نداشته است.

پوپلزایی روایت میکند که غبار از جمله رفقای محمد اختر خان پسر ناظر محمد صفر خان رئیس استخبارات امیر امان الله [رئیس اطلاعات امیر نصرالله خان بود نه از امان الله خان!] بود. محمد اختر خان همان کسی است که تو طئه قتل شاه امان الله را در بند قرغه سازمان داده بود ولی موفق نشد (خوشبختانه- مومند)

به روایت پوپلزایی گروهی که به تحریک محمد اختر «رفیق و یار غار غبار-مومند» حاضر به ترور شاه شده بودند همگی از کارمندان و هوا داران امیر نصرالله خان بشمول قاری عبدالرحیم علومی و میرزا نایب شاعر و منشی خوش نویس بودند. دستگیر شدگان بعد از استتطاق در حضور شاه و قاضی القضاة به جرم خود اعتراف کردند و گفتند به تحریک و رهنمایی محمد اختر دست به چنین کاری زده اند. وقتی عساکر برای دستگیری محمد اختر خانه او را بمحاصره کشیدند محمد اختر از ترس و عاقبت کار خودکشی نمود، [ولی نمرود و کورگرديد].

اما غبار میگوید که محمد اختر گرفتار و شاه شخصاً از او پرسید که اگر رها شوی باز چه میکنی؟ مرد جواب داد اگر رها شوم باز هم ترا کشت.

پوپلزایی محرک این سوء قصد را عالییه بیگم خانم نایب السلطنه دانسته و تذکر میدهد که بعد از انتقال سردار نصرالله خان از برج جرثقیل به سراچه ارگ، دوستان و مخلصان از جمله محمد اختر خان به دیدار سردار نصرالله خان رفت و آمد میکردند.

اما غبار ملا امام الدین پشاوروی گماشته انگلیس را محرک محمد اختر برای طرح ترور شاه دانسته است. (ادعای غبار با عقل سلیم و منطق سازگاری نداشته و به کذب و افسانه پرداخته است- مومند)

د پانوی شمیره: له ۲ تر ۴

افغان جرمن آنالین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوولې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپیکنی د لیکنیزې ښې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ

کاندید اکادمسین سیستانی سوال خوبی را مطرح ساخته مینویسد:

از این دو روایت، کدام یک را بحیث منبع ثقه میتوان پذیرفت و دیگری را بحیث غیر ثقه مردود دانست؟

طبعاً آن روایت که از قول نزدیک ترین شخص به شاه و دربار و شاهد و ناظر واقعه ترور شاه بوده است، اعتبارش نسبت به روایتی که خود متهم به رفاقت با طراح ترور شاه بوده است، بیشتر، واضح تر و پذیرفتنی تر است. (این احتمال رد شده نمیتواند که ممکن پای غبار نیز برای نیل به قدرت درین دسیسه علیه غازی امان الله با اختر محمد، پارغارش در میان باشد. مومند)

درینجا باید یاد آور شد که نظام الدین خان پوپلزایی پدر پوپلزایی یکی از اشخاص نزدیک و مورد اعتماد شاه امان الله و علیاحضرت بود که تمام وقایع روزمره عهد امان الله خان را تا پایان سلطنتش یاد داشت کرده و به پسر خود پوپلزایی بعداً خطاط و مؤرخ سپرده بود تا روزی آنها را به چاپ برساند. بنابراین مدارک پوپلزایی درین زمینه از جمله مدارک دست اول و قابل اعتبار است، زیرا پدرش شاهد و ناظر اوضاع و وقایع اطراف شاه امان الله بوده است.

شاغلی کاندید اکادمسین سیستانی به نوشته خود چنین دوام میدهد:

در هر حال غبار بنابر رفاقت خود با اختر محمد خان به اتهام همین قضیه مورد سوء ظن و تحت نظارت قوماندان امنیه شجاع الدوله خان قرار گرفت. چون غبار شخص زرنگ و نویسنده برجسته بود (یعنی در حقیقت سیاست باز و شعبده باز سیاسی بود- مومند)، بزودی خود را در قطار هواخواهان شاه امان الله تثبیت کرد.

پوپلزایی مینویسد: «ملا منهای الدین شینواری در سال ۱۲۹۹ ش مدیر جریده ستاره افغان مقرر گردید. در برج جوزای سال مذکور وقتیکه مهاجرین هندی وارد کابل شدند و از اول سرطان بطرف قطغن نقل داده شدند، ملا منهای الدین از طرف مجلس مهاجرین در جمله هیئات موظفین ناقلین به همراه محمد امان خان حاکم مهاجرین فرستاده شد و به عوض او میر غلام محمد حسینی «غبار» مدیر جریده ستاره افغان مقرر شد. و سبب مقرری غبار این بود که غبار رفیق اختر محمد پسر ناظر محمد صفر خان بود و بعد از واقعه قرغه (ترور شاه امان الله) بقید نظر شجاع الدوله خان وزیر امنیه سپرده شده بود و به قرار معرفی وزیر امنیه به نگارندگی جریده مذکور و به تضمین خود او فرستاده شد، غبار را در زمره هیئات معیتی خود به هرات برد.»

کاندید اکادمسین سیستانی به ابراز نظر خود دوام داده مینویسد:

این اولین باری است که با چاپ کتاب پوپلزایی مطلع میشویم که غبار در قضیه محمد اختر مورد سوء ظن قرار گرفته و تحت نظارت قوماندانی امنیه قرار گرفته است.

غبار درین مورد چیزی ننوشته است (زیرا غبار یک مؤرخ سیاست باز و منافق بود-مومند) ولی اگر به اتهام ترور شاه تحت نظر قرار گرفته شده باشد، خود بهتر درک میکرده است که همراه شدن او با شجاع الدوله غوربندی رئیس تنظیمه هرات ظاهراً به عنوان همکار نزدیک رئیس تنظیمه ولی در اصل تحت نظر گرفتن غبار بوده است. در چنین صورتی میتوان تأثیرات بد چنین حالتی را بر روان غبار تصور کرد.

آیا ممکن نیست این سوء ظن، او را واداشته باشد تا انتقام این اتهام را بوسیله ثبت یک روایت جعلی (بدون منبع و سند) یعنی وجود حزب سری دربار و برنامه قتل امیر حبیب الله خان بوسیله آن حزب به شیوه ای بگیرد که تا امروز هر که آن را میخواند فکر میکند، امان الله قاتل پدرش بوده است. و این روایت یک منبع مهم غلط فهمی و سوء ظن برداشت، برای اکثریت خوانندگان شده است.

**تبصره:** شاغلی کاندید اکادمسین سیستانی با دقت تمام، زوایای قضیه چند ضلعی مسئله را با خطوط درشت با هم وصل نموده و نتیجه حاصله از تحقیق شان برای خواننده ثابت میسازد، که غبار بالاتر از اینکه یک مؤرخ باشد، یک سیاست باز و شعبده باز سیاسی حرفوی است و موصوف دانش و معرفت و صلاحیت تاریخ نویسی خود را در قسمت خاص

د پانو شمیره: له ۳ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولۍ

مرام های سیاسی خود استخدام نموده است و این مطلبی است که علامه حبیبی و استاد محمد عزیز نعیم دو شخصیت نجیب و صادق و عالم و دانشمند تاریخ معاصر کشور در مورد غبار اظهار داشته است.

غبار این مؤرخ سیاست باز و چپگرا، حتی بعد از سالیان متمادی و مانند اشتر، کینه ورز و صاحب ذهن مریض، خواسته است که نه تنها از تمام ذواتی که با ایشان تضاد سلیقه و طرز تفکر سیاسی داشت، بلکه از محصل استقلال افغانستان یعنی غازی امان الله که نام مبارک شان در زمره مقدسات ملی شمرده میشود نیز، نامردانه و شیدانه انتقام بگیرد، روی تمام عناصر مفتن مانند دیگ سیاه، سیاه باد. مومند.

شعر علامه داکتر اقبال در مورد میر غلام غبار صدق میکند:

زانکه حق در باطل او مضمر است      قلب او مؤمن دماغش کافر است

په درناوی

---

د پانو شمیره: له ۴ تر ۴

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په ځیر و لولئ